

#میکروکتاب

مطالعه، سرِ خط



اشتراک تجربه‌ها در نُو آ ۶۰۰
هر آنچه باید در مورد کتابخوانی و فرهنگ آن بدانیم



UNESCO Chair in Water and
Environment Management for Sustainable Cities,
Shahrood University of Technology, Iran



سبکتو

پارسیس ؟

مطالعه، سرِ خط

اشتراک تجربه‌ها در نُوآ ۰۰۶

میزگرد مجازی در نقد کتاب و کتابخوانی

گردآوری توسط سبکتو و پادپرس

© تمامی حقوق این میکرو کتاب
به هر نحو اعم از الکترونیکی و
چاپی متعلق به

سبکتو – sabketo.com

9

پادپرس – padpors.com

می باشد

خوشحال می شویم پیشنهاد یا
مشکلی را که در کتاب مشاهده کردید
با ما در میان بگذارید

فهرست

میکروکتاب

مقدمه

پیشگفتاری از کرسی یونسکو در دانشگاه

صنعتی شریف

نواآ۰۰۶

چرا باید کتاب بخوانیم؟

چه طور مثل یک حرفه‌ای کتاب بخریم؟

کتاب‌های ترجمه شده

نوشته‌های خوبی که خواندید، چه

خصوصیاتی داشتند؟

فرهنگ کتابخوانی

چطور فرهنگ کتابخوانی را از خانه
خودمان بیرون ببریم و به سراسر ایران
برسانیم؟

در چه مکان‌هایی کتاب خواندن لذت
بخش است؟

آیا میکروکتاب‌ها کمک می‌کنند؟

آیا کتاب‌های الکترونیکی جای کاغذ را
خواهند گرفت؟

سرانه مطالعه

نوا ۰۰۶ در یک نگاه

پایان

میکرو کتاب

چند کتاب در ماه می‌خوانید؟ نمی‌شود کسی را پیدا کرد که بگوید کتاب خواندن بد است، اما افراد زیادی هستند که به علت نداشتن وقت کافی، خواندن کتاب را از برنامه زندگی‌شان حذف می‌کنند غافل از اینکه این یار مهربان می‌تواند نکاتی به ما بیاموزد که تاثیرات معجزه آسایی در زندگی داشته باشد.

میکرو کتاب می‌خواهد فرهنگ کتاب خوانی را گسترش دهد و به همه افراد در شرایط مختلف کمک کند تا حداقل ماهی ۵ کتاب بخوانند. میکرو کتاب در واقع چکیده و خلاصه‌ای از مطالب مفید و مهم یک کتاب است که شما بتوانید آن را در زمانی معقول

بخوانید. همه ما در روز زمان‌های پرت زیادی داریم که می‌توانیم با میکروکتاب آن را به زمان طلایی تبدیل کنیم.

میکروکتاب‌ها شامل بخش‌های ثابتی هستند، در ابتدا توضیحاتی در مورد نویسنده وجود دارد چرا که وقتی شما با نویسنده آشنا باشید بهتر با کتاب ارتباط برقرار می‌کنید. در بخش بعدی مقدمه یا توضیحی کلی در مورد کتاب است که شما بتوانید در یک نگاه با مبحث کلی کتاب آشنا شوید و بخش آخر هم چکیده مفید آن است.

همه میکروکتاب‌ها یک فایل صوتی هم دارند تا کتاب خواندن را برایتان راحت تر از قبل کنند. گوش کردن یک میکروکتاب شاید به

اندازه ۵ تا ۱۰ موزیکی باشد که در طول روز گوش می‌کنید اما می‌تواند شما را آگاه‌تر کند.

مقدمه

کتاب همیشه یکی از ارزشمندترین دارایی‌های انسان بوده است. کتاب وسیله‌ای برای انتقال تجربیات و آگاه کردن افراد است و هرچه میزان آگاهی در جامعه‌ای بیشتر باشد درصد موفقیت کل جامعه هم افزایش پیدا می‌کند و مردم چون از تجربیات قدیم آگاهند سرنوشت بهتری برای خود می‌آفرینند. جامعه ما، از فرهنگی غنی و گذشته‌ای پر بار شکل گرفته که شامل تمدن‌های مختلف می‌شود. اما میزان مطالعه در همین جامعه بسیار پایین است. ما تصمیم گرفتیم به جز ابراز نگرانی از این وضعیت یک قدم در این راه برداریم و حرف را تبدیل به عمل کنیم و ببینیم

واقعا مشکل از کجاست؟ و چه طور می‌توان این مشکل را برطرف کرد؟ به همین جهت **نوا ۶۰۰** شکل گرفت. نوا یک میزگرد مجازی در اتاق فکر پادپرس است. افراد دور این میزگرد جمع می‌شوند و در مورد موضوعی مشخص صحبت می‌کنند. **نوا ۶۰۰** با محوریت **مطالعه** شکل گرفت و افراد هر آنچه که از مطالعه دغدغه یا سوال داشتند را مطرح کردند. از درگیری‌های ذهنی و سوال‌های بامزه، تا مسائل جدی و حتی کلان کشوری. در پایان این میزگرد حرف‌ها و تجربیات آنقدر جالب و جذاب و البته کاربردی بود که تصمیم گرفتیم از دل همه این صحبت‌ها میکروکتابی تهیه کنیم تا ۰ تا ۱۰۰ مطالعه را برای همه افراد و به زبان ساده توضیح دهیم. این میکروکتاب با

سایر میکروکتاب‌های **سبکتو** متفاوت است
چون همه شما جز نویسندگان آن هستید.

با این میکروکتاب می‌خواهیم افراد را با کتاب
آشتی دهیم و مطالعه را از کاری لوکس تبدیل
به عادت کنیم. امیدواریم شما هم با اشتراک
گذاری آن ما را در این راه همراهی کنید.

پیشگفتاری از کرسی یونسکو در

دانشگاه صنعتی شریف

آیا تا به حال فکر کرده‌اید چرا کتاب نمی‌خوانیم یا کم می‌خوانیم؟ شاید چون کتاب و سبک مورد علاقه خود را پیدا نکرده‌اید!

کتاب بهترین دوست است. آیا این جمله غریبی است؟ احتمالا شما دوستان زیادی داشتید و دارید. چند نفر از آن‌ها دوست واقعی برای شما بودند؟ به این معنی که رک و رو راست مسائل را برای شما باز کردند و به شما چیزهای خوب و مفید آموختند (چه برای شما خوشایند باشد و چه ناخوشایند).

آیا واقعا از هم‌نشینی با بیشتر دوستان خود احساس خوب دارید و آرامش می‌گیرید؟ به شما پیشنهاد می‌کنیم که یک بار کتاب را به عنوان دوست صمیمی خود برگزینید. کتاب همه شرایط لازم و کافی به عنوان یک دوست خوب را دارد. فقط کافی است که آن را بخوانید و بخوانید.

دکتر ساناز مقیم

مدیر توسعه ارتباطات و برنامه‌های

بین‌المللی کرسی یونسکو

نوآ ۰۰۶

همه ما دوست داریم بابت وقتی که برای مطالعه می‌گذاریم بیشترین بازدهی را داشته باشیم. فرقی نمی‌کند که کتاب درسی است یا یک کتاب انگیزشی. می‌خواهیم علاوه بر اینکه به راحتی مطالب آن را به یاد بسپاریم، از خواندن هر خط آن هم لذت ببریم.

اما گاهی که تصمیم می‌گیریم یک تنه رکورد سرانه مطالعه در ایران را جابه‌جا کنیم، و برای شروع تصمیم به خرید کتابی می‌گیریم، چطور تشخیص دهیم که یک کتاب به خصوص اگر ترجمه باشد خوب است یا نه؟ از کجا بدانیم که چقدر این کتاب برای ما مناسب است و اصلاً آیا کتاب خوبی هست؟

ما راه حل این پرسش ها را از خود شما گرفتیم. پروژه یا اتاق فکر نوآ۰۰۶۰۰ شکل گرفت تا یک میزگرد مجازی باشد تا همه افراد هر سوال یا درگیری ذهنی که در مورد مطالعه دارند را مطرح کنند و همه با هم در مورد آن صحبت کنیم.

خیلی از ما بدون مناسبت خاصی، دغدغه مطالعه و فرهنگ مطالعه داریم. خیلی از ما کتاب خواندن را دوست داریم و برخی هم برای فرار از روزمرگی هایشان به این یار مهربان پناه می آورند. اما کمی که عمیق تر به موضوع نگاه کنیم، کتاب خواندن چیزی فراتر از چشم چرخندان روی جملات است. در نوآ۰۰۶۰۰ سوالات بسیار جالبی مطرح شد که برخی مثل تلنگر بود و برخی تامل برانگیز.

دغدغه افراد اهل مطالعه این بود که چه طور
می شود کتاب را به همه جا برسانیم و چه
طور این فرهنگ را فراگیر کنیم اما یک نفر
سوال جالبی مطرح کرد: چرا باید کتاب
بخوانیم؟

چرا باید کتاب بخوانیم؟

سرچشمه اصلی کتاب شاید سنگ نبشته و تصاویر مربوط به انسان های نخستین باشد. اما به طور کلی همه موافق بودند که از همان زمان تا به امروز کتاب یک رسالت داشته و آن انتقال تجربیات و آگاهی است. هر کتاب با محتوای خاص خودش می تواند مطالبی را از دیدگاه نویسنده بیان کند که شاید هرگز به ذهن شما خطور نکرده باشد.

اتفاق جالبی که رخ داد تعریف آدم ها از کتاب بود. شاید در ظاهر تعریف همه ما از کتاب همان تعریف ویکی پدیایی است: تعدادی کاغذ یا پوست که روی آن نوشته یا تصویر یا

هر دو را دارد و معمولا از یک سمت محکم شده است.

اما واقعا کتاب برای شما چه معنی می‌دهد؟ وسیله‌ای که از کاغذ ساخته شده و هر وقت ذهنتان درگیر بود برای فرار از همه اتفاقات خودتان را به آن می‌سپارید؟ یا وسیله‌ای که هر وقت نیازش دارید آن را ورق می‌زنید؟ یا یک دوست قدیمی که سعی می‌کنید هر لحظه‌تان را با آن بگذرانید.

دوستی می‌گفت مهم نیست به چه بهانه‌ای سراغ کتاب می‌روید، همین که سراغ آن را می‌گیرید و مطالعه می‌کنید آگاهیتان افزایش پیدا می‌کند و تجربه را بدون تجربه کردن یاد می‌گیرید.

چه طور مثل یک حرفه‌ای کتاب

بخریم؟

بعد از بررسی علت کتاب خوانی، نوبت این است که مثل افراد حرفه‌ای کتابی را انتخاب و خرید کنیم. البته حوزه خرید کتاب بسیار گسترده است از کتاب‌های رمان و شعر بگیر تا فلسفه و کتاب‌های تاریخی. اینکه شما در حوزه‌ای که در آن تخصص دارید کتاب بخرید خیلی عالی است و قطعا نتیجه بهتری می‌گیرید اما همه ما در همه حوزه‌ها تخصص نداریم و قطعا دوست نداریم دائم در مورد یک موضوع تکراری بخوانیم، چرا که این موضوع به تنهایی می‌تواند علاقه به کتاب خواندن را تا حد زیادی کاهش دهد.

یکی از نتایجی که همه به آن معتقد بودند اشتراک تجربه‌ها بود. ابزارهای زیادی مثل شبکه اجتماعی goodreads.com هستند که می‌توانیم نظر یا تجربیاتمان در مورد کتابی خاص را با همه به اشتراک بگذاریم و همین‌طور وقتی تصمیم به خواندن کتاب می‌گیریم با جست و جوی آن و خواندن نظرات قبل از خرید متوجه می‌شویم که این کتاب مناسب است یا نه.

کتاب‌های ترجمه شده

برای اینکه در مورد خرید کتاب‌هایی که ترجمه شده هستند تصمیم بگیرید و عذاب را جایگزین لذت مطالعه نکنید به چندین راهکار رسیدیم:

اگر علاقه‌مند به حوزه خاصی باشید احتمالا به این نتیجه رسیده‌اید که چند مترجم مشخص در این حوزه فعالیت می‌کنند با خواندن ۲ تا ۳ کتاب، خیلی سریع متوجه می‌شوید که ترجمه چه کسی روان‌تر و شیواتر است و از خواندن آن لذت می‌برید. اما اگر تازه می‌خواهید به جمع کتاب خوان‌ها پیوندید بهتر است کمی در اینترنت

جست‌وجو کنید و نظر چند نفر را بخوانید تا اولین کتاب‌هایتان نصفه نماند.

یکی دیگر از روش‌های تشخیص ترجمه خوب وقتی هیچ شناختی از مترجم ندارید و از جست‌وجو در اینترنت هم نتیجه‌ای نگرفته‌اید، توجه به ناشر و ظاهر کتاب است. به نظریکی از دوستان وقتی شما جلد خلاق و جالب در کنار یک صفحه بندی حرفه‌ای می‌بینید می‌تواند نشان دهنده این باشد که ناشر سعی در ارائه بهتر کتاب دارد و در نتیجه از یک مترجم حرفه‌ای هم استفاده کرده است. البته این موضوع همیشه هم صدق نمی‌کند و گاهی کتاب با یک جلد ساده چنان ترجمه روان و قوی دارد که تا کتاب تمام

نشود آن را زمین نمی‌گذارید و نیمه رهایش نمی‌کنید.

تقریباً بیشتر ما تجربه کتاب‌هایی را داریم که نیمه خوانده‌ایم و دیگر آن را ادامه نداده‌ایم. گاهی نصفه خواندن کتاب احساس عذاب وجدانی به همراه خودش دارد که ما را از خرید کتاب بیشتر هم منع می‌کند و در نتیجه اوضاع بدتر می‌شود. اما در بین صحبت‌ها، یک نفر حرف جالبی زد و گفت: بعضی کتاب‌ها مثل ویتامین می‌مانند. به طور معمول هر روز همه ویتامین مصرف نمی‌کنند. مثلاً فقط زمانی که بیمار هستیم و گاهی به تجویز پزشک ویتامین C می‌خوریم البته همیشه هم یک درازه کامل از آن را نمی‌خوریم و گاهی باقی را برای سری بعد نگه

می‌داریم. یک نکته مهم هم همین است. اینکه اگر کتابی را نصفه خوانده و آن را رها کردید شاید مشکل شما نیستید و لازم نیست بابت این موضوع خودتان را سرزنش کنید. گاهی ذهنتان درگیر موضوع دیگری بوده و اجازه تمرکز به شما نمی‌داده است. گاهی هم به قول معروف حسش نبوده. البته این وضعیت می‌تواند برای افراد مختلف حالت‌های مختلف داشته باشد. مثلا بعضی افراد، برای اینکه این عادت را ترک کنند یک کتاب که دوست داشتند حتما بخوانند را انتخاب می‌کردند و اگر کتاب نصفه‌ای را تمام می‌کردند آن کتاب مورد علاقه را به خودشان جایزه می‌دادند. اما قبل از همه این کارها لازم است که یک کتاب خوب برای خواندن

انتخاب کنیم. به همین خاطر سوال جدیدی
مطرح شد.

نوشته‌های خوبی که خواندید،

چه خصوصیاتی داشتند؟

به طور کلی مطالبی که به زبان ساده نوشته شده و دور از غلط‌های املایی و نگارشی است را همه می‌پسندند و خواندن آن لذت بخش است. برخی از ما مطالبی می‌خوانیم که خیلی سریع درگیر آن می‌شویم و از آن لذت می‌بریم مثل تجربه یکی از دوستان که می‌گفت: آخرین مطلبی که منو جذب کرد یک نقد در مورد خبر ناموثق یکی از خبرگزاری‌ها در مورد دیوان حافظ بود. چیزی که در این مطلب برایم جالب بود داشتن میان تیترو پاراگراف بندی خوب مطلب بود و اینکه از تصاویر

جذاب استفاده شده و با سند و مدرک حرف زده بود.

اینکه یک مطلب چقدر خوب است را تنها معیارهای شخصی شما مشخص می‌کند. اما اگر قرار باشد یک نسخه کلی بپیچیم، یک مطلب خوب علاوه بر سادگی و شیوایی، به دور از اضافه نویسی و هجویات است. و معمولا از کلمات سنگین و پر ابهام خالی است. البته همه این موارد کاملا بستگی به نوع محتوایی که نوشته می‌شود هم دارد. مثلا یک رمان درام قطعا با یک تحلیل اقتصادی متفاوت است اما تنها یک چیز برای خواننده مهم است و آن روان و قابل درک بودن مطلب است.

همینطور که در مورد انواع نوشته‌های خوب
و بد صحبت می‌شد موضوعی در جملات
افراد پر رنګ شد و تبدیل به سوالی با یک
علامت سوال بزرگ شد.

فرهنگ کتابخوانی

یک کتاب هرچقدر که خوب و روان نوشته شده باشد نیاز به یک خواننده دارد. ولی ما چقدر کتاب می‌خوانیم؟ این که سرانه مطالعه در ایران از روی آمار پایین است یک حقیقت است ولی واقعا نشانه بدی است؟ این سوال توسط یکی از دوستان مطرح شد و گفت از کتاب به عنوان وسیله‌ای برای آگاهی و انتقال تجربه استفاده می‌شود. در ایران به دلیل اینکه قانون کپی رایت تنها در مورد کتاب اجرا می‌شود و روش‌های دیگر مثل فیلم راحت‌تر و ارزانتر به دست می‌رسد شاید به همین دلیل است که کمتر مردم کتاب می‌خوانند از

طرفی ما مردمانی هستیم که زیاد با هم صحبت می‌کنیم و این صحبت به نسل‌های بعد هم انتقال پیدا می‌کند. البته این نظر یک نفر است و شامل همه افراد نمی‌شود ولی شاید بتوان گفت که مطالعه مانند بستن کمر بند خودرو است. شما نمی‌توانید بگویید که من با سرعت کم رانندگی می‌کنم پس کمر بند نمی‌بندم و آسیب نمی‌بینم. هیچ چیز جایگزین کتاب و مطالعه نمی‌شود و همه روش‌ها را باید با هم و در کنار هم پیش ببریم. لذت مطالعه چه در کتاب‌های کاغذی و چه در تبلت‌ها و کتابخوان‌ها چیزی نیست که بتوان برای آن جایگزین پیدا کرد.

فرهنگ مطالعه چیزی فراتر از کتاب خواندن است و بیشتر در مورد ایجاد عادت کتابخوانی

صحبت می‌کند. در واقع به این منظور که کتاب را به عنوان کالای لوکس ببینیم و از آن به عنوان راهنمای زندگی استفاده کنیم. شاید وقتی حرف از فرهنگ مطالعه می‌شود در ذهن برخی تصویر یک فرد کتاب در دست روی یک صندلی راحتی و یک فنجان قهوه نقش می‌بندد، در حالی که فرهنگ کتابخوانی یعنی کتاب بخشی از زندگی افراد شده باشد. برای اینکه این فرهنگ نهادینه شود باید از خودمان شروع کنیم و به محیط اطرافمان کمک کنیم. مثلاً برای دوستانمان کتاب‌هایی بخریم که به موضوعات آن علاقه‌مند هستند. یکی از دوستان تجربه جالبی در مورد فرهنگ کتابخوانی در کشور دیگر داشت و تعریف می‌کرد: پسر من در آمریکا به دنیا آمده است.

از دبستان به آنها یاد داده‌اند که باید کتاب بخوانند. پسرم معمولا تکلیفی در خانه برای انجام دادن به جز هفته‌ای دوبار و آن هم فقط درس ریاضی نداشت و در عوض با روش‌های مختلف سعی می‌کنند تا عادت کتاب خواندن را در آنها نهادینه کنند. مثلا پازل‌های سفید به بچه‌ها می‌دهند که در ازای یک ساعت کتاب خواندن اجازه داشتند یک قطعه از پازل را رنگ کنند و در پایان سال هر بچه‌ای که پازل بیشتری رنگ کرده بود جایزه می‌گرفت و توسط کادر مدرسه و گاهی اعضای دولت تشویق می‌شد. در کتابخانه‌ها هم فضای مخصوص بچه‌ها وجود دارد حتی جالب است بدانید بخشی مخصوص کودکان ۶ ماهه است که کارکنان کتابخانه برای آنها

کتاب داستان‌هایی با نقاشی‌های بزرگ می‌خواندند به طوری که دختر کوچکم در طول هفته با اصرار می‌خواست که به آنجا برویم و کتاب بخواند.

البته نظر یکی از دوستان هم جالب بود که می‌گفت: کتابخوانی به این دلیل در کشورهای دیگر رواج دارد که قانون کپی‌رایت وجود دارد و کتاب ارزانت‌ترین راه برای دریافت آگاهی و تجربیات است.

اما همانطور که می‌دانید پایه یادگیری هر چیزی اگر از کودکی بنانهاده شود نتیجه بهتری داشته و خیلی زود تبدیل به عادت فرد می‌شود. اما کتاب‌های کودکان واقعا کتاب‌های مناسبی هستند؟ یکی از مهمترین

چیزهایی که کودکان و حتی بزرگسالان را به یک کتاب جذب می‌کند نوع تصویرسازی آن است. تصاویر جذاب و رنگارنگ در کنار داستانی روان و ساده، کمک می‌کند تا با هر کتابی که می‌خواند یک نکته جدید، هر چند کوچک یاد بگیرد.

البته ایجاد فرهنگ کتابخوانی تنها به کودکان ختم نمی‌شود و باید در سراسر ایران وجود داشته باشد. یکی از مباحثی هم که مطرح شد همین موضوع بود.

چطور فرهنگ کتابخوانی را از خانه خودمان بیرون ببریم و به سراسر ایران برسانیم؟

خوشبختانه چندین سال است که کانون پرورش فکری کودکان توسط ماشین‌های مخصوص بین روستاها و دهستان‌های مختلف که حتی دسترسی جاده‌ای به آنها سخت است کتاب می‌برند تا آنها عادت به کتاب خواندن و آگاهی پیدا کردن را از دست ندهند. به نظر شما ما برای گسترش فرهنگ کتابخوانی چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم؟ یکی از روش‌ها رها کردن کتاب در مکان‌های عمومی است به این صورت که هر کسی چندتا از کتاب‌های خودش را در

مکان‌های عمومی می‌گذارد تا دیگران آن را بخوانند و در مکان عمومی دیگری رها کنند. و به همین ترتیب کلی کتاب در اختیار افراد زیادی قرار می‌گیرد. شاید فکر کنید که افراد کتاب‌ها را برمی‌دارند و به جای رها کردن آنها را به عنوان کتاب دست دوم می‌فروشند! در این صورت باید کمی مثبت فکر کنیم کسی که کتاب را دوباره رها نمی‌کند شاید برایش خیلی کاربردی بوده و این یک اتفاق بسیار خوب است. همینطور اگر همه بدانند که می‌توانند کتاب‌هایشان را رایگان در مکان‌های عمومی پیدا کنند، چرا باید آن را بخرند؟ در نتیجه کتابفروشی‌ها هم کتاب دست دوم نمی‌خرند. روش‌های مختلفی برای ایجاد فرهنگ کتابخوانی وجود دارد که

همه آنها مستلزم یک حرکت جمعی از سمت
من و شماست.

در این بین یک سوال جالب هم مطرح شد:

در چه مکان‌هایی کتاب خواندن لذت

بخش است؟

خیلی وقت‌ها اگر در شرایط درستی باشیم، اتفاقات خوبی هم برایمان رخ می‌دهد. اگر شما در فضایی قرار بگیرید که از بودن در آن لذت می‌برید، پس هر کاری هم در آنجا انجام دهید برایتان لذت‌بخش خواهد بود. به طور کلی فضایی که برای مطالعه انتخاب می‌کنید باید از نور کافی برخوردار بوده و فاصله کتاب از چشم باید حدود ۳۰ سانتی متر باشد. و در کنار این شرایط، باید جایی باشد که احساس راحتی کنید. مثلاً یکی از مطالعه در مترو یا اتوبوس لذت می‌برد و دیگری دوست دارد در خانه کنار پنجره روی مبل لم دهد و کتاب

بخواند. چیزی که مهم است خود فرآیند کتاب خواندن است. می‌توانید از کتاب‌هایی که دوست دارید نسخه‌های جیبی تهیه کنید و همیشه همراهتان داشته باشید و هیچ فرصتی را برای مطالعه از دست ندهید.

البته شاید کمی عجیب به نظر برسد. چرا که عادت نکرده‌ایم مردم را در حال مطالعه در بخش‌های مختلف شهر ببینیم. ولی خود ما هستیم که رفتارهای جامعه را شکل می‌دهیم پس باید با خودمان شروع کنیم.

اما نکته‌ای در بین بحث‌های مختلف جالب بود اینکه عادت مردم در نوع خواندن فرق کرده است. کمی دقت کنید، افرادی که روزنامه می‌خوانند را با گذشته مقایسه کنید،

چقدر کمتر شده‌اند؟ تحقیقات جدید نشان می‌دهد که افراد دیگر تمایلی برای خواندن متن‌های طولانی ندارند و متن‌های کوتاه را ترجیح می‌دهند. شاید همین موضوع یکی از دلایل به وجود آمدن پدیده‌ی جدیدی به نام میکروکتاب بوده است.

آیا میکروکتاب‌ها کمک می‌کنند؟

طبق تعریف سبکتو از میکروکتاب‌ها، آنها چکیده‌ای مفید از کتاب‌های اصلی هستند که تحت قوانین خاصی خلاصه نویسی شده‌اند. سوال این بود که آیا میکروکتاب‌ها می‌توانند جایگزین کتاب‌ها باشند؟ تقریباً همه موافق بودند با توجه به اینکه هر روز مردم بیشتر درگیر کار و روزمرگی می‌شوند و وقت کمتری برای مطالعه پیدا می‌کنند میکروکتاب‌ها می‌توانند جایگزین درستی باشند.

میکروکتاب‌ها نسخه‌های الکترونیکی هستند و با دو عادت بسیار مهم این روزهای مردم سازگار است: یکی اینکه خلاصه و به دور از اضافه گویی است و دیگری اینکه به جهت

وجود نسخه‌های الکترونیکی قابل استفاده در انواع موبایل و کتابخوان‌هاست. البته فعلا میکروکتاب‌ها وارد حوزه کتاب‌های رمان و سرگرم کننده نشده‌اند چون حقیقت این است که همین جزییات طولانی است که رمان را جذاب می‌کند و با حذف شدن آنها لذت کتاب هم از بین می‌رود. اما از طرفی میکروکتاب برای سایر کتاب‌ها از جمله کتاب‌های انگیزشی و آموزشی بسیار مفید و کاربردی است. یکی از دوستان از تجربه میکروکتاب خوانیش می‌گفت که وقتی توانست یک میکروکتاب در زمینه موفقیت را در زمانی حدود ۴۰ دقیقه بخواند و به شدت برایش مفید بود، باور کرد که وارد دنیای جدیدی شده و عصر کتاب‌های کاغذی تمام

شده است. میکروکتاب‌ها نسخه‌های الکترونیکی هستند و شاید این موضوع نشان دهنده این باشد که عادت مردم علاوه بر نوع نوشتار، از جهت تکنولوژی هم تغییر کرده است. شاید علت این موضوع کارکرد زیاد با تلفن همراه است که این عادت را در گذر زمان ایجاد کرده اما حقیقت این است که تمام دنیا به این سمت در حال حرکت هستند.

آیا کتاب‌های الکترونیکی جای

کاغذ را خواهند گرفت؟

فراگیر شدن انواع گجت‌ها و اپلیکیشن‌ها خواه، ناخواه ما را به استفاده بیشتر از موبایل یا تبلت سوق داده‌اند و تبدیل به بخشی از سبک زندگی‌مان شده‌اند.

با افزایش برنامه‌های کتابفروشی آنلاین کم‌کم عادت مطالعه کتاب در کتاب‌خوان‌ها یا گجت‌های همراه نیز برایمان عادی شده است. اما موضوع کتاب‌های الکترونیکی واقعا همین قدر ساده است؟ چه بلایی سر کتابخانه‌ها می‌آید؟ نمایشگاه کتاب چه

می‌شود؟ و کتاب فروشی‌ها چه طور؟ شبیه
فروشگاه موبایل می‌شوند؟

به نظر یکی از دوستان این موضوع خیلی
عادی بود او یک کتابخوان داشت و برای
خلاصه نویسی و هایلایت مطلب مورد
نظرش از دو اپلیکیشن مختلف استفاده
می‌کرد. یکی دیگر از دوستان می‌گفت، کتاب
کاغذی هیچ جایگزینی ندارد و حسی که بو و
لمس کاغذ به انسان می‌دهد بخشی از
محتوای کتاب است که اگر حذف شود گویی
بخشی از متن اصلی حذف شده است.

اما حقیقت این است که این فرآیند در حال
انجام است و ما نمی‌توانیم مانع آن باشیم اما
می‌توانیم تا حد امکان بیشتر کتاب بخوانیم

و این حس زیبا از ورق زدن کتاب را به خاطر
بسپاریم.

سرانه مطالعه

یکی از معضلاتی که بیشتر در دوره نمایشگاه
کتاب روی آن صحبت و بحث می‌شود سرانه
مطالعه پایین در ایران و فرهنگ کتابخوانی
است. این که آمار سرانه مطالعه در ایران
بسیار پایین است متأسفانه خبر جدیدی
نیست اما بحثی که در این مورد است این
است که چه طور می‌توان این فرهنگ را بین
مردم جا انداخت و عادت به کتابخوانی را به
خانواده‌ها برد؟ هر کدام از ما می‌توانیم یک
سفیر کتاب باشیم. با معرفی کتاب‌های خوب
به دوستانمان یا قرض دادن کتاب‌های

خودمان به آنها، قدمی در راه علاقه‌مند کردن افراد به کتاب و کتابخوانی برداریم.

دارن هاردی در کتاب اثر مرکب می‌گوید که عادت‌های بسیار کوچک ما هستند که اتفاقات بزرگ آیندمان را شکل می‌دهند. اگر هر کدام از ما عادت کنیم که هر روز حتی چند صفحه کتاب بخوانیم در پایان ماه خواهیم دید که علاوه بر احساس فوق‌العاده‌ای که نسبت به خودمان داریم، چقدر مطالب و نکات جدید یاد گرفتیم و نگاهمان در زندگی بازتر شده است.

نوآ ۰۰۶ در یک نگاه

ما در رویدادهای نوآ، میزبان یک میزگرد مجازی راجع به یکی از دغدغه‌های پرمخاطب پادپرس می‌شویم و تلاش می‌کنیم مخاطبان و ذی‌نفعان مرتبط با موضوع را به میزگرد دعوت کنیم.

نوآ ۰۰۶: میزگرد مجازی در نقد کتاب و کتاب‌خوانی

رویدادی برای «به اشتراک‌گذاری تجربه» حول مسئله‌های موجود در زمینه‌ی کتابخوانی با هدف نزدیک شدن به راه‌حل‌های ممکن



بحث‌های پرمخاطب

اصلا چرا کتاب بخونیم؟

آیا ایرانیا سطح مطالعه شون پایینه؟

چرا خوندن متن های طولانی سخته؟

تا حالا چی کار کردی که یکی دیگه رو به خوندن تشویق کنه؟

فضای دیجیتال کتابخوانی رو کم میکنه؟

آمار محتوای به اشتراک گذاشته شده



آمار مربوط به مشارکت‌کننده‌ها



پایان

ممنون که این میکروکتاب را مطالعه کردید.

امیدواریم که از آن لذت برده و به آموزه‌هایتان افزوده شده باشد.

برای دسترسی به مقالات و پادکست‌های روزانه در زمینه موفقیت و سبک زندگی به وبسایت ما سر بزنید:

Sabketo.com

پادپرس، اقامت‌گاه «چرا؟» هاست و وبسایتی برای رسیدن به مسئله‌های بهتر. بیایید و در پادپرس دغدغه‌ها، پرسش‌ها و تجربیاتتان را با دیگران به اشتراک بگذارید و

از فرصت هماندیشی برای پیدا کردن بهترین
پاسخ بهره‌مند شوید:

Padpors.com